

انتخابات ترکیه، نارضایتی از نظم موجود!

داریوش ارجمندی

هفته گذشته، انتخابات ترکیه با شکست فاحش ائتلاف احزاب دولتی پایان گرفت. در جریان این انتخابات، حزب توسعه و عدالت اسلامی (آ.ک.پ) با کسب ۳۴٪ درصد آراء، ۳۶۳ کرسی از مجموع ۵۵۰ کرسی پارلمان ترکیه را از آن خود ساخت و انتظار می‌رود وظیفه تشکیل دولت آتی در این کشور را برعهده گیرد. سه حزبی که پیش از این مشترکاً قدرت دولتی را در دست داشتند، با بی‌مهری کامل رأی‌دهندگان روبرو شده و بطورکلی از پارلمان خارج گشتند. حزب دمکراتیک چپ ترکیه به رهبری بولنت اجویت نخست‌وزیر تاکنونی ترکیه، تنها قادر به کسب کمی بیش از یک درصد آراء شد، دو حزب دیگر دولت یعنی، حزب میهن (آناپ) و حزب عمل ملی نیز قادر به صعود از سد ۱۰ درصدی برای ورود به پارلمان نشدند. درمقابل، جریان ناسیونالیست موسوم به حزب جمهوریخواه مردم، با کسب ۱۹٪۳ درصد آراء و ۱۷۸ کرسی، مقام دومین حزب بزرگ ترکیه را از آن خود ساخت. سایر کرسی‌های پارلمانی، از سوی نمایندگان غیرحزبی و مستقل اشغال شد.

(AMF GO HOME)!

علی‌رغم سروصدایی که رسانه‌های گروهی غرب در مورد اسلامی بودن آ.ک.پ و خطر اسلامیزه شده ترکیه پیا کردند، ضروریست که بر دو نکته تأکید ورزیم. نخست اینکه نباید رأی مردم به این جریان را به اسلام‌گرایی ایشان تعبیر کرد، و دوم اینکه حزب ترقی اسلامی، یک حزب بنیادگرا نبوده و خواهان برهم زدن نظم موجود نیست. درمورد نکته اول باید توضیح داد که رأی مردم ترکیه به حزب ترقی اسلامی، قبل از آنکه رأی به این حزب و شعارهای آن باشد، اعلام مخالفت و نارضایتی از سیاست‌های دولت سابق ترکیه، بویژه در زمینه اقتصادی است.

رژیم ترکیه در سالهای اخیر، و در پی دریافت چند میلیارد دلار وام از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، سیاست‌های اقتصادی دیکنه شده از سوی این نهادها را به اجرا گذاشت. در نتیجه این سیاست‌ها از قبیل خصوصی‌سازی‌های گسترده، اصلاح قانون کار (به نفع کارفرمایان)، تعدیل نیروی انسانی، اصلاح سیستم بانکی (از جمله شناور شدن ارز ترکیه)، کاهش هزینه‌های دولتی (حذف یارانه، کاهش امکانات رفاهی و غیره)، تنها در طول دوسه سال گذشته، بیش از یک میلیون نفر از شاغلین ترکیه به صف بیکاران پیوسته‌اند. تعداد زیادی از کارگاه‌های کوچک که در عین حال بخش عظیمی از کارگران ترکیه را در استخدام خود دارند، به ورشکستگی کامل دچار شده‌اند. این همه، تعداد بیکاران ترکیه را به رقم کم سابقه ۲ میلیون نفر افزایش داده است. همزمان، شناور شدن ارز کشور، ارزش آنرا به میزان ۳۳ درصد کاهش داده است، امری که از یک سو، تورم و گرانی کالاهای مورد نیاز مردم را بدنبال داشته، و از دیگر سو، با ثابت ماندن و یا افزایش ناچیز دستمزدها، قدرت خرید توده‌ها را به شدت محدود کرده است. به بیان دیگر، در نتیجه اجرای سیاست‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در ترکیه، اقتصاد این کشور به چنان بحرانی دچار شده است که از زمان جنگ جهانی دوم بدین سو، سابقه نداشته است. بیهوده نیست که در تظاهرات میلیونی سال گذشته، شعار محوری تظاهرکنندگان، در مخالفت با صندوق بین‌المللی پول و یا به عبارت دقیق‌تر، (AMF GO HOME) بود.

باتوجه به این نکات، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که رأی مردم ترکیه به حزب عدالت اسلامی، در واقع نوعی اظهار مخالفت و نارضایتی از سیاست‌های ورشکسته اقتصادی احزاب سنتی ترکیه می‌باشد. درحقیقت، جریان انتخابات ترکیه، از این نظر شباهت بسیاری با انتخابات سالهای اخیر در کشورهای اروپایی دارد که به رشد کم سابقه و حتی صعود برخی از جریان‌های شبه‌راسیستی

به قدرت منجر شد. این احزاب که به "احزاب موج سوار" مشهور شده‌اند، دقیقاً به علت فساد موجود در احزاب سنتی حاکم و سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالیستی آنها، قادر بوده‌اند که با انتقاد از احزاب حاکم و بدون آنکه خود آلت‌رناتیو روشنی برای حل بحران موجود ارائه دهند، رأی مردم کشورهای اروپایی را به خود جلب کنند. نمونه‌های موفقیت‌آمیز این قبیل احزاب را در اتریش (برهبری یورگ هایدِر)، در فرانسه (برهبری ژان ماری لوپِن)، و همچنین در نروژ (حزب ترقی) و دانمارک (حزب مردم)، شاهد بوده‌ایم. گذشته از خصلت ارتجاعی و نژادپرستانه این قبیل احزاب، می‌توان به ویژه‌گی‌های دیگری نزد آنها اشاره کرد. مهمترین این ویژه‌گی‌ها، همچنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، خصلت بورژوازی این جریان‌هاست. در پشت ماسک انتقادآمیز این احزاب، چیزی جز تکرار سیاست‌های سرمایه‌داری وجود ندارد که البته عموماً با محتوایی به مراتب راست‌تر از سایر احزاب بورژوازی عمل می‌کنند. اما خصلت مهم دیگر این احزاب، همانا در موقتی‌بودن آنهاست. این جریان‌ها، درغیاب چپ سازمان‌یافته، با سرقت شعارهای چپ، رأی طبقات و اقشار زحمتکش و میانه را خریده و در پی دوره‌ای آب به آسیاب دشمن ریختن، جای خود را به همان احزاب سنتی بورژوازی می‌دهند. نمونه‌ی بازار این مسئله را میتوان در اتریش و پائین آمدن فاحش محبوبیت حزب دست‌راستی "هایدر" مشاهده نمود.

تنها تفاوت حزب توسعه و عدالت اسلامی ترکیه با احزاب شبه‌راسیستی اروپا در این است که در ترکیه، جریان موج سوار، با ظاهری اسلامی و نه ناسیونالیستی، به میدان آمده است، آنهم به این دلیل که، جریان ناسیونالیست افراطی در ترکیه، خود جزئی از همان احزاب و سیستم سیاسی سنتی در این کشور است که مورد بی‌مهری مردم قرار گرفته است.

بدین ترتیب، و باتوجه به اظهارات رهبران حزب عدالت اسلامی، می‌توان اطمینان داشت که این جریان، همچون هر حزب دیگر خدمتگزار نظام سرمایه‌داری، قواعد و قوانین بازی سیاسی را رعایت کرده و در نهایت، مجری همان سیاست‌هایی خواهد بود که از دولت قبلی به ارث برده است. بیهوده نیست که آمریکا، بزرگترین متحد ترکیه، تنها چند روز پس از اعلام نتایج انتخابات در این کشور، تصمیم خود مبنی بر ارسال هلی‌کوپترهای نظامی به ترکیه را که قرار است در جنگ علیه عراق به کار گرفته شود، علنی ساخت. به عبارت دیگر، دولت جرج بوش اطمینان دارد که دولت جدید ترکیه، علی‌رغم "اسلامی" بودن‌اش، در جنگ علیه "مسلمانان عراقی"، مشکل‌ساز نخواهد بود و به وظایف خود عمل خواهد کرد. در رابطه با موضع حزب توسعه و عدالت اسلامی ترکیه در قبال جنگ آمریکا علیه عراق، باید گفت که رهبران این جریان اعلام داشته‌اند که تنها در صورت برخورداری آمریکا از حمایت شورای امنیت سازمان ملل، به همکاری نظامی با آن خواهند پرداخت، مسئله‌ای که در پی قطع‌نامه جدید شورای امنیت و توافق میان فرانسه و آمریکا، حل شده به نظر می‌رسد.

بحران ادامه خواهد یافت!

پیش از انتخابات، تلاش‌های زیادی از سوی سیاست‌گذاران ترکیه برای ممنوع کردن حزب توسعه صورت گرفت. از جمله تلاش شد که مسئله سابقه جزایی «اردوگان» رهبر این حزب و ممنوعیت فعالیت سیاسی از سوی او، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. هرچند این تلاش‌ها بجایی نرسید، اما همزمان باید گفت که قوانین موجود «اردوگان» را از رسیدن به مقام نخست‌وزیری محروم می‌کند. حال باید دید که آیا حزب اسلامی وی از موقعیت برتر خود در پارلمان برای تغییر این قانون استفاده خواهد کرد یا نه؟ فراموش نکنیم که حزب توسعه و عدالت اسلامی تنها با جلب رأی چهار نفر از نمایندگان پارلمان، میتواند از اکثریت دوسوم لازم برای تغییر قانون اساسی ترکیه برخوردار شود. در چنین موقعیتی، این سؤال بوجود می‌آید که آیا «شواری‌نگهبان» ترکیه، یعنی ارتش این کشور، برای نجات قانون اساسی و حفظ نظم موجود، چه عکس‌العملی نشان خواهد داد؟ مشکل دیگر نظام سیاسی ترکیه، قانون انتخابات آن است که به احزابی که قادر به کسب حداقل ۱۰ درصد آراء نشوند، اجازه ورود به پارلمان را نمی‌دهد. به عنوان نمونه، جبهه «دهاپ» علی‌رغم کسب ۶۲ درصد از آرای مردم، نتوانست به پارلمان راه یابد. جبهه دهاپ، متشکل از احزاب چپ‌گرای ترک و کرد است که عمدتاً در مناطق کردنشین فعالیت دارد، چراکه بزرگترین جریان این جبهه حزب کردی «هادپ» است که چندی پیش از دل حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بیرون آمد.

در انتخابات اخیر، رأی بیش از ۴۵ درصد مردم، تنها بدلیل آنکه به احزابی داده شد که قادر به عبور از این سد نشدند، کاملاً نادیده گرفته شد. امری که دمکراتیک بودن نظام سیاسی ترکیه را بشدت زیر سؤال میبرد.

اما در نهایت باید گفت که بحران ترکیه قبل از هر چیز اقتصادی ست و بحران سیاسی این کشور هم بیش از همه، از سیاست های اقتصادی دولتی سرچشمه می گیرد. بدین ترتیب و باتوجه به اینکه دولت اسلامی جدید نیز به هر حال همان سیاست های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را درپیش خواهد گرفت، می توان اطمینان داشت که بحران و نارضایتی توده ها از نظم موجود همچنان ادامه یابد.